یادداشت روز

شرایط ویژه مدیریت ویژه می‌خواهد

۱- دیروز برای خرید به یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای کشور در جنوب شهر رجوع کردم. بر اساس محاسبات ذهنی که از خرید قبل داشتم وارد شده و کمتر از یک سبد خرید چرخدار کالاهای معمولی و مصرفی مثل رب گوجه فرنگی، روغن، ماکارونی، شامپو و... خریدم. وقتی صندوقدار رقم کل صورتحساب را برایم خواند، در جا خشکم زد. یک سبد کالای معمولی و مصرفی روزانه که مثلا اگر سال گذشته خریداری کرده بودم، می‌شد چیزی حدود یک یا حداکثر یک میلیون و پانصد هزار تومان شد، چهار میلیون و سیصد هزار تومان! کمی میوه مثل سیب و هندوانه و لیمو ترش برای مصرف کمتر از یک هفته‌ام هم شد حدود یک میلیون تومان! وقتی با حالت اعتراض گفتم «آقا چه خبره؟»، صندوقدار که گویا به دلیل تکرار این نوع واکنش‌ها، خود را آماده کرده بود گفت «برای هر کس رقم صورتحساب را می‌خوانم، مثل شما اعتراض می‌کند. به خدا من بی‌تقصیرم. من فقط یک کارمند هستم و قیمت‌ها به من ربطی ندارد و...»

۲- بعد از جنگ تحمیلی دوازده روزه، اهمیت توان نظامی و اتحاد بیش از هر زمانی برای همه ما اثبات و معلوم شد با مذاکره، بسیاری از این مشکلات را نمی‌توان حل کرد؛ چرا که دشمن وسط همین مذاکره حمله و ۱۱۰۰ تن از هموطنانمان را به شهادت رساند. اگرچه، سیلی محکمی هم خورد که اگر نخورده بود، درخواست آتش‌بس نمی‌داد. بعد از این جنگ اما، یک خطای ذهنی - که طبیعی هم هست - ذهن بسیاری از مردم و چه بسا حتی برخی مسئولین ما را به خود مشغول کرده است. خطا این است که، باید صرفا به لحاظ نظامی در حال آماده‌باش بود چون هر لحظه ممکن است این جنگ دوباره آغاز شود. بدون کمترین تردیدی باید به لحاظ نظامی در حال آماده‌باش بود ولی نباید و نمی‌توان از مسائل ضروری دیگر غفلت کرد. در شرایط «بحران»، خطاهای این‌چنینی می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری داشته باشد.

۳- دیگر همه می‌دانیم که جنگ، یک شکل و یک روش ندارد و کشورها وقتی درگیر جنگ می‌شوند، از جهات مختلف به این امر ورود می‌کنند. مثلا وقتی کشورهای اروپایی بعد از همین جنگ می‌گویند مکانیزم ماشه را فعال می‌کنند، و بلافاصله بعد از این خبر قیمت‌ها افزایش می‌یابد یعنی، در کنار جنگ سخت و نظامی، جنگ اقتصادی را هم به کار گرفته‌اند. یا در حالی که مشکلات اقتصادی و تورم کمر مردم را شکسته عده‌ای در حالی که «وفاق ملی وفاق ملی» لحظه‌ای از دهانشان نمی‌افتد ناگهان، به جای اقتصاد دوباره کنسرت را مسئله اول کشور می‌کنند، یعنی می‌خواهند در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز کشور را وارد جنگ کنند. هیچ وقت فراموش نکنید که دشمن در ۲۳ خرداد، زمانی حمله کرد که عده‌ای مهم‌ترین مسئله کشور را قتل یک دختر توسط راننده مسافرکش کرده بودند. یعنی وقتی ذهن و حواس و انرژی یک کشور را به یک خبر حادثه‌ای درگیر کرده بودند، دشمن مشغول طراحی تجاوز به کشور عزیزمان بود!

۴- شرایط کشور «عادی» نیست و ممکن است هر لحظه جنگ سخت به جنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اضافه شود. اداره امور در «شرایط ویژه و غیرعادی»، باید ویژه باشد. «کشور در شرایط غیرعادی» را نمی‌توان با همان روشی که «کشور در شرایط عادی» است، اداره کرد. به عنوان مثال وقتی رژیم صهیونیستی درگیر جنگ جاری شد، در کنار کابینه همیشگی، یک «کابینه جنگ» تشکیل داد چرا که شرایط جنگی، کابینه جنگی می‌خواهد. در شرایط جنگی، طبیعی است، برخی قوانین نیز تغییر کند. مثلا اگر سربازی در شرایط عادی فرار کند، اضافه خدمت می‌خورد یا چند روزی ممکن است زندانی شود اما در شرایط جنگی و در بسیاری از کشورهای دنیا اگر همین سرباز فرار کند، حکم او اعدام است! می‌خواهیم بگوییم، روشی که دولت محترم در حال اداره امور با آن است، اولویت‌های دولت، دغدغه‌های دولت و... به هیچ وجه با شرایط امروز همخوان نیست. هنوز دغدغه دولت برگزاری کنسرت است! هنوز روشش برای حل مشکلات، «مذاکره» است. دولت حتی در «عذرخواهی کردن» هم - که یک سنت حسنه و فرهنگ زیباست - اولویت‌ها را نمی‌شناسد. دولتی که ظرف یک سال قیمت دلار را دو برابر کرده، مدیری هنوز نتوانسته است، یک جدول خاموشی تنظیم کند، پیش از اینکه از یک سلبریتی عذرخواهی کند، نباید از مردم عذرخواهی کند؟ اولویت امروز کشور مهار تورم، حل مشکل ناترازی، حفظ انسجام و اتحاد کشور است و این «جابه‌جایی غلط اولویت‌ها» می‌تواند باعث ایجاد دوقطبی‌های کاذب شود و نباید فراموش کرد مهم‌ترین عامل پیروزی کشورمان در جنگ ۱۲ روزه مقابل ناتو و رژیم صهیونیستی، پس از الطاف الهی و توان بالای نظامی، همین اتحاد و انسجام ملی بود. مخاطب این نقدها، فقط قوه مجریه نیست؛ سایر قوا هم هستند.

۵- «یورگن هابرماس»، جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی اصطلاحی دارد با عنوان Validity Claim که ترجمه فارسی آن می‌شود «اعتبار ادعا». خلاصه آن به زبان خیلی ساده این می‌شود که، در هر جامعه‌ای ارزش‌های معتبر شده‌ای وجود دارند که بنا به دلایلی برای مردم «معتبر» شده‌اند. در این بین شاید افرادی از آن جامعه هم باشند که اعتقادی به این «ارزش معتبر» نداشته باشند اما چون فضا برایشان مناسب نیست، کاری با آن ندارند و مخالفت علنی هم نمی‌کنند اما همواره زمینه لازم برای مخالفت علنی را دارند. مثلا «روزه» یا «حجاب» یا «شادی» در یک جامعه دینی را در نظر بگیرید. حالا تصور کنید فردی مخالف و دشمن دین با استفاده از تریبون رسانه، اعلام کند، روزه گرفتن باعث ایجاد سنگ کلیه و بیماری می‌شود! اصلا نیازی به توضیح علمی هم نمی‌بیند. با یک‌سری کلیات ابوالبقا و طی حکمی عمومی و کلی مدعی ضرر داشتن روزه یا مضر بودن حجاب می‌شود. یا در ایام عزاداری برای اباعبدالله الحسین(ع) می‌گویدگریه باعث افسردگی و پژمردگی روح می‌شود و اگر می‌خواهید مردم در این شرایط بد اقتصادی خوشحال و شاد باشند، رقص و کنسرت را آزاد کنید! «هابرماس» می‌گوید، اینجا همین یک موضع خلاف - سوای از این که درست است یا غلط، مغرضانه است یا نیست- به «اعتبار ادعا» خدشه وارد می‌کند. یعنی آن افرادی که به هر دلیلی مخالف روزه بودند اما فرصت و امکان مخالفت علنی با آن را نداشتند، با شنیدن این موضع فرصت را مغتنم شمرده و از سکوت خارج می‌شوند؛ آن ادعا را می‌پذیرند و بدین‌ترتیب به آن ارزش و اعتبار، خدشه وارد شود. خدشه وارد شدن به این اعتبارها یعنی، بروز شکاف و شکسته شدن آن انسجام اجتماعی. نظام سلطه تا دلتان بخواهد از این ترفندهای شیطانی، برای به هم ریختن جوامع، راه انداختن انقلاب‌های رنگی و... تجاوز نظامی استفاده کرده است. حال تصور کنید روی یک مسئله مهم در یک جامعه - مثل لزوم حل مشکلات معیشتی و کنترل تورم و گرانی - اتفاق نظر وجود دارد و این انسجام و اتحاد هم به‌شدت ضروری است منتهی یک رسانه، فرد یا دشمن، با هدف شکستن این اتحاد و اعتبار، نظری خلاف آن مسئله معتبر شده برای مردم می‌دهد و می‌گوید با برگزاری کنسرت‌های خیابانی مردم خوشحال‌تر می‌شوند تا حل مشکلات اقتصادی! (باور بفرمایید چنین موضع‌گیری‌هایی در این کشور شده است) و به کمک رسانه‌ها این امر را پمپاژ می‌کنند. اینجا، هم به آن Validity Claim خدشه واد می‌شود و هم شاهد دوقطبی و بروز شکاف اجتماعی خواهیم بود و به جای اینکه توجهات به حل مشکلات معیشتی مردم و به جنگ ترکیبی باشد که علیه کشور به راه افتاده - و هیچ چیزی مثل حل آنها مردم را خوشحال نمی‌کند - صرف برگزار شدن یا نشدن کنسرت می‌شود. یک عده می‌گویند کنسرت در میدان آزادی برگزار شود، یک عده می‌گویند اصلا برگزار نشود. عده‌ای به شهرداری یورش می‌برند، عده‌ای به دولت و....همه اینها در حالی است که همه می‌دانیم به احتمال زیاد دشمن در حال طراحی تجاوزی دیگر است.... به‌خاطر اهمیت موضوع یک‌بار دیگر تکرار می‌کنیم: مهم‌ترین دلیل شکست دشمن در جنگ ۱۲ روزه - پس از الطاف الهی - همین اتحاد و انسجامی است که عده‌ای با شعار «وفاق ملی» و «مسئله‌سازی» در حال حمله به آن هستند!

جعفر بلوری

در گفت‌وگو با گوترش

عراقچی: تا مذاکرات نتیجه ندهد با آژانس همکاری نخواهیم کرد

وزیر امور خارجه گفت: تحولات اخیر از جمله حملات به برخی سایت‌های هسته‌ای ایران ایجاب می‌کند که چارچوب جدیدی در این همکاری‌ها تعریف گردد. آژانس نیز پذیرفته که این شرایط تازه، نیازمند چارچوب همکاری جدید است و مذاکرات در این زمینه ادامه دارد اما تا وقتی مذاکرات به نتیجه نرسد، هیچ همکاری جدیدی شکل نخواهد گرفت.

سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران درباره دیدار اخیر رئیس‌جمهور ایران با دبیرکل سازمان ملل متحد گفت: آنتونیو گوترش تأکید کرده که طی سال‌های گذشته به این جمع‌بندی رسیده است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست و همواره راه‌حل دیپلماتیک را ترجیح داده است.

وی افزود: این جمع‌بندی سال‌هاست که در میان بسیاری از کشورها و حتی برخی سیاستمداران اروپایی شکل گرفته، اما همچنان پرسش‌ها و ابهاماتی وجود دارد که راه‌حل آن گفت‌وگو و تعامل است.

وزیر امور خارجه تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه از اثبات صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود ابایی نداشته و در گذشته نیز اقدامات اعتمادساز انجام داده است.

عراقچی تأکید کرد: اگر توافقی شکل بگیرد، ایران آماده ورود به برنامه‌های اعتمادساز جدید خواهد بود، اما در مقابل باید رفع تحریم‌ها و پایان تهدیدات نیز در دستور کار قرار گیرد.

وی همچنین یادآور شد که ایران هرگز میز مذاکره را ترک نکرده و پرچم گفت‌وگو را زمین نگذاشته است، زیرا نسبت به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود تردیدی ندارد و بنابراین ترسی هم از مذاکره نداریم. همان‌طوری که ترسی هم از جنگ نداریم. همیشه برای مذاکره و جنگ آمادگی داریم، البته ما و همه کشورها مذاکره را ترجیح می‌دهند اما اگر عزت و شرافت کشوری زیرسؤال برود، گزینه‌های دیگری هم روی میز است.

در ادامه، وی به موضوع «اسنپ‌بک» اشاره کرد و درباره تأثیر بازگشت تحریم‌ها گفت: در حوزه اقتصادی تحریم‌های بسیار سنگین‌تری را آمریکا وضع کرده اما در حوزه سیاسی، نگرانی‌های روانی بزرگ‌نمایی‌شده و فضای ساخته‌شده پیرامون اسنپ‌بک بیش از واقعیت آن است. با این حال، جمهوری اسلامی ایران با اصل هر نوع تحریمی مخالف است و برای رفع آن‌ها تلاش می‌کند.

وزیر امور خارجه درباره شکل جدید همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز توضیح داد: «در حال حاضر مذاکراتی میان وزارت امور خارجه، سازمان انرژی اتمی و آژانس در جریان است تا چارچوب تازه‌ای برای همکاری‌ها طراحی شود. تحولات اخیر از جمله حملات به برخی سایت‌های هسته‌ای ایران ایجاب می‌کند که چارچوب جدیدی در این همکاری‌ها تعریف گردد. آژانس نیز پذیرفته که این شرایط تازه، نیازمند چارچوب همکاری جدید است و مذاکرات در این زمینه ادامه دارد اما تا وقتی مذاکرات به نتیجه نرسد، هیچ همکاری جدیدی شکل نخواهد گرفت.

گفت‌وگوی تلفنی عراقچی با وزرای امور خارجه یونان اسلوونی و سیرالئون

عراقچی همچنین در تماس‌های تلفنی جداگانه با جورج گراپتریتیس وزیر امور خارجه یونان، تانیا فایون وزیر امور خارجه اسلوونی و الحاجی موسا تیموتی کابا وزیر امور خارجه سیرالئون که در حال حاضر کشورهایشان در شورای امنیت سازمان ملل عضویت دارند، درخصوص روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه اقدام سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان در شورای امنیت گفت‌وگو و تبادل‌نظر کرد. وی در این تماس‌ها با انتقاد از اقدام ناموجه و غیرقانونی سه کشور اروپایی برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت، این اقدام را غیرمسئولانه توصیف و با اشاره به پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مسیر دیپلماسی، تاکید کرد که ایران در موضع خود جدی و در دفاع از حقوق مشروع خویش ثابت‌قدم است.

وزیر امور خارجه کشورمان همچنین با تاکید بر ضرورت اتخاذ راهکارهای دیپلماتیک برای حل و فصل اختلافات موجود بر سر برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، خواستار حمایت شورای امنیت از دیپلماسی و جلوگیری از اقدامات غیرقانونی و افزایش تنش شد.

وزرای امور خارجه یونان، اسلوونی و سیرالئون هم در این گفت‌وگوهای تلفنی با اعلام حمایت از راه‌حل‌های دیپلماتیک به عنوان اولین و آخرین راهکار حل مسائل بین‌المللی بر ضرورت ادامه گفت وگو و دیپلماسی تاکید کردند.

سوءتفاهم پیش‌آمده با قطر برطرف شد

وزیر امور خارجه کشورمان در مصاحبه‌ای با روزنامه الشرق در دوحه که متن کامل آن روز یکشنبه منتشر خواهد شد، از نتایج دیدار خود با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر، تمجید کرد و افزود: در این دیدار، پیام شفاهی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران را به امیر قطر منتقل کردم، این دیدار بسیار مهم و تأثیرگذار بود.

در این گفت‌وگو، روابط دوجانبه ایران و قطر به‌ویژه سوءتفاهمی که پس از حملات ایران به پایگاه العدید قطر در پی حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران به وجود آمد، مورد بررسی قرار گرفت. عراقچی تأکید کرد که مذاکرات با امیر قطر و همچنین با شیخ محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر نیز بسیار ثمربخش، جدی و مفید بود. وی افزود: در این دیدار درباره موضوعات متعددی گفت‌وگو کردیم که از روابط دوجانبه و آخرین تحولات مرتبط با آن آغاز شد. خوشبختانه هیچ اختلافی میان دو کشور وجود ندارد و سوءتفاهم پیش‌آمده نیز به طور کامل با این سفر برطرف شد.

وزیر خارجه ایران تصریح کرد: همچنین درباره راهکارهای دستیابی به ثبات منطقه‌ای، به‌ویژه ازسرگیری گفت‌وگو میان کشورهای منطقه برای تأمین امنیت و همکاری در مقابله با سلطه‌طلبی رژیم اسرائیل و تجاوزگری آن علیه کشورهای منطقه، بحث و تبادل نظر شد. عراقچی افزود: پرونده هسته‌ای ایران نیز در این دیدار به طور مفصل مورد بررسی قرار گرفت و من آخرین تحولات این موضوع را برای امیر قطر تشریح کردم. دوستان ما در قطر همواره دیدگاه‌های خوبی داشته‌اند و ما همیشه درباره این مسائل تبادل نظر کرده‌ایم. در این دیدار نیز مشورت‌های ارزشمندی انجام شد.

انتظار داریم تحرکات علیه دیپلماسی را خنثی کنید

علاوه‌بر اینها، وزیر امور خارجه ایران و «کایا کالاس» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، شامگاه پنجشنبه در شهر دوحه دیدار کردند.

در این دیدار، راجع به آخرین تحولات مرتبط با موضوع هسته‌ای ایران به ویژه با توجه به اقدام غیرمسئولانه و ناموجه سه کشور اروپایی جهت بازگرداندن قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت، و همچنین روند تعامل ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بحث و تبادل‌نظر شد.

وزیر امور خارجه کشورمان ضمن تاکید بر غیرقانونی و ناموجه بودن اقدام سه کشور اروپایی در این خصوص، مسئولیت مهم نماینده عالی اتحادیه اروپا (EU) در امور سیاست خارجی به‌عنوان «هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام» را یادآوری و تصریح کرد انتظار می‌رود این نهاد در راستای ایفای وظیفه‌ای که طبق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ برعهده آن نهاده شده است در جهت انجام مسئولیت خود و خنثی‌سازی تحرکات علیه دیپلماسی ایفای نقش کند.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

فراتر از انتظار!

گفت: آقای روحانی گفته است «سال ۱۴۰۰ همه چیز برای توافق آماده بود. اگر عده‌ای مانع نمی‌شدند، دیگر بهانه‌ای برای جنگ ۱۲ روزه هم وجود نداشت»!

گفتم: تنها مانع موردنظر ایشان، مصوبه راهبردی مجلس است که در آن آمده بود، دولت حق ندارد بدون دریافت امتیاز و لغو تحریم‌ها، به طرف مقابل (۱+۵) امتیاز بدهد. آیا جناب روحانی دنبال توافق به قیمت حراج امکانات کشور بوده است که این مصوبه را مانع توافق می‌داند؟!

گفت: همین آقای روحانی گفته بود «آقای اولاند رئیس‌جمهور فرانسه به من گفت در سال ۲۰۱۳ تصمیم قطعی برای جنگ با ایران را گرفته بودیم. وقتی شما آمدید، ما منصرف شدیم»!

گفتم: یعنی حضور آقای روحانی در ریاست جمهوری همه انتظارات و خواسته‌های غرب از جنگ با ایران را تامین کرده بود و آنها دیگر نیازی به جنگ نمی‌دیدند!

گفت: حالا به وضوح می‌توان فهمید که اولاً؛ منظور آقای روحانی از توافق چه بوده است؟! و ثانیا؛ به خوبی معلوم می‌شود که مصوبه راهبردی مجلس چه خطر بزرگی را از ایران و مردم ایران دور کرده است.

گفتم: شناگر تیم بین ۸ نفر، نفر هشتم شده بود. مربی تیم در مصاحبه گفته بود؛ همین که ایشان در این مسابقه غرق نشده نشان می‌دهد که خیلی فراتر از انتظار ظاهر شده است!

سردار نائینی:

کشور در امنیت کامل است نیروهای مسلح دست برتر را دارند

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: به مردم ایران اعلام می‌کنیم؛ نگران نباشند، اگر جنگی اتفاق افتد، دست برتر و قدرت پاسخ پشیمان‌کننده داریم، کشور در امنیت کامل قرار دارد.

سردار علی‌محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سومین همایش بسیج اساتید کشور با تاکید بر اینکه در جنگ اخیر، ستون فقرات دکترین امنیت ملی و قواعد بازدارندگی رژیم صهیونیستی فروریخت بیان کرد: رژیم متوهم صهیونیستی با روایت ایران ضعیف و محاسبات غلط راهبردی، به ایران تهاجم کرد، فکر می‌کرد، چند ساعت بعد از حمله نظامی، مردم ایران آغوش خود را باز و کشور را تحویل آنها خواهند داد، ولی مردم بلافاصله به خیابان‌ها ریخته و پاسخ کوبنده به دشمن متوهم دادند، این جنگ نشان داد، مردم ایران فهم درست‌تری از تهدیدات دارند، هویت و انسجام و منافع ملی را با هیچ چیز معامله نمی‌کنند.

وی افزود: رژیم صهیونیستی و آمریکا میلیاردها دلار برای شکست انقلاب اسلامی و ملت ایران هزینه کردند، ولی هیچ پیروزی به دست نیاوردند، این جنگ نمایش قدرت مردمی جمهوری اسلامی ایران، اقتدار فرماندهی عالی جنگ و استحکام نیروهای مسلح بود، به ملت ایران اعلام می‌کنیم، ایران پس از جنگ ۱۲روزه، باثبات‌تر، منسجم‌تر و قدرتمندتر است، مردم نسبت به امنیت و ثبات کشور مطمئن و آسوده خاطر باشند و بدانند؛ دشمن هیچ غلطی نخواهد کرد.

سخنگوی سپاه ادامه داد: یک بخش از جنگ، نبرد ادراکی و روانی است، این نبرد توسط دشمن با حفظ «سایه جنگ بر ایران» ادامه دارد، امروز دشمن برای انتقام از پایداری مردم، بر جنگ اقتصادی و روانی و بی‌ثباتی کشور متمرکز است، ما برای اجتناب از جنگ و امنیت پایدار، دائماً ظرفیت بازدارندگی را افزایش می‌دهیم، با وجود اینکه ما می‌دانیم، دشمن توان شروع جنگ جدید ندارد، ولی می‌خواهد کشور را در فضای جنگی همراه با نگرانی و ملتهب نگه دارد و برای حفظ این فضا دائماً عملیات روانی انجام می‌دهند.

به گزارش مهر، سردار نائینی با بیان اینکه نه شروع‌کننده جنگ هستیم و نه هراسی از جنگ داریم عنوان کرد: به مردم ایران هم اعلام می‌کنیم؛ نگران نباشند، اگر جنگی اتفاق افتد، دست برتر و قدرت پاسخ پشیمان‌کننده داریم، کشور در امنیت کامل قرار دارد و به فضل الهی هیچ تهدیدی، توان به هم زدن آرامش داخلی ما را ندارد، نیروهای مسلح برحسب وظایف ذاتی خود با بدبینی نسبت به دشمن، برای مقابله با هر نوع تهدید، در هر سطح، دائماً خود را آماده می‌کنند و به فضل الهی این آمادگی‌ها به مراتب بیشتر از قبل است، اکنون که مرحله دشوار جنگ پشت سر گذاشته شده است، نگاه ما به آینده، روشن و پرامید است.

وی تاکید کرد: نیاز امروز کشور؛ حفظ انسجام ملی، بازسازی و توسعه زیرساخت‌ها، رسیدگی به مشکلات معیشتی مردم، رونق کسب و کار می‌باشد، همه باید دولت و دستگاه‌های مسئول را کمک کنیم، تا دوران پس از جنگ به فرصتی برای شکوفایی اقتصادی تبدیل شود.

خبر ویژه

آمریکا و اروپا باید چند بار کلاهبرداری کنند تا بفهمید؟

رئیس دولت «برجام و دیگر هیچ»، همچنان با انکار مسلّمات، به فرار به جلو و تحریف واقعیت خسارت‌های برجامی ادامه می‌دهد.

حسن روحانی گفته است:

*«سه کشور اروپایی حق ندارند اسنپ‌بک کنند. اروپا که به تعهدات خودش در برجام و به تعهدات یازده‌گانه خودش عمل نکرده، امروز نمی‌تواند مدعی باشد و بگوید ایران تعهدات خودش را نقض کرده است.

*ما البته معتقدیم ایران در چارچوب تعهدات خودش به درستی عمل کرده، و آنجایی هم که حتی آمریکا از برجام خارج شده باز هم مهلت کافی به ۱+۴ داده، آن‌هایی که در سال ۹۷ مرتب داد می‌زدند می‌گفتند بعد از اینکه آمریکا خارج شده ما هم بلافاصله از برجام خارج بشویم و پاره کنیم، آن‌ها دیگر نباید سرشان را بتوانند بالا بیاورند.

*اگر ایستادگی دولت تدبیر و امید نبود و ما هم بعد از آمریکا از برجام خارج شده بودیم، خب همه قطعنامه‌ها در همان اردیبهشت ۹۷ برگشته بود. این قطعنامه‌ها از زمان تصویب یعنی سال ۲۰۰۶ تا حالا حدود ۲۰ سال است، از این ۲۰ سال ما ۱۰ سالش را متوقف کرده بودیم. کار بدی کردیم که ۱۰ سال آن‌ها را متوقف کردیم؟ ما ۱۰ سال متوقف کردیم حالا می‌خواهد برگردد به قبل از برجام.

* یک نکته دیگری هم در این‌جا حائز اهمیت است. اگر در سال ۱۴۰۰ یک عده‌ای مانع نمی‌شدند، و ما در دوره بایدن به برجام برمی‌گشتیم، که همه چیز هم آماده بود، همه توافقات هم شده بود، امروز نه تنها چیزی به نام اسنپ‌بک نداشتیم بلکه در این مدت حدود ۵۰۰ میلیارد هم ضرر نمی‌کردیم. در این ۴ سال مستقیم و غیرمستقیم ۵۰۰ میلیارد ضرر کردیم.

* خب چرا یک عده‌ای نگذاشتند؟ چرا مانع شدند در سال ۱۴۰۰؟ خب در ۱۴۰۰ اگر ما برمی‌گشتیم به برجام، هم از منافع برجام استفاده می‌کردیم، هم برجام تثبیت می‌شد، هم امروز مشکل اسنپ‌بک نداشتیم و حتی بالاتر من می‌خواهم بگویم حتی دیگر بهانه جنگ ۱۲ روزه هم وجود نداشت.

* این مشکلات، مشکلاتی است که یک عده تندرو، با توهماتشان جلوی منافع ملی کشور را گرفتند و مشکلاتی در سال ۱۴۰۰ برای ما به‌وجود آوردند و متأسفانه بعد از اواسط ۱۴۰۰ هم در دولت بعدی نتوانستند درست استفاده کنند و مسئله را حل‌وفصل کنند و ما امروز مشکلات پیدا کردیم؛ یکی‌اش هم همین است که برخلاف قواعد، اروپا دارد سوءاستفاده می‌کند.»

آقای روحانی به جای تظاهر به زرنگی و فرار به جلو، باید پاسخ داد که چرا افتضاح پذیرش مکانیسم ماشه را که در قراردادها و توافقات بین‌المللی بی‌سابقه است، پذیرفت؟ از سر شیدایی توافق به هر قیمت و غفلت، یا دانسته و به قصد خیانت به ملت ایران؟ چرا توافقی را تدارک کرد -و خسارت‌های آن را به عنوان دستاورد به مردم فروخت!- که امتیازات واگذار شده از سوی ایران نقد و اغلب برگشت ناپذیر و قبل از روز رسمی اجرای برجام بود اما تعهدات غرب، نسیه و مبهم و برای پس از خالی شدن دست ایران از توانمندی‌های هسته‌ای‌اش بود؟ با اخذ کدام تضمین یا تعبیه کدام مکانیسم شکایت معتبر، به تعطیلی یا نابودی ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای تن داد؟

آقای روحانی مدعی شده بود همه تحریم‌ها در روز اجرای برجام یک‌جا لغو و نه تعلیق می‌شود و امکان ندارد تحریم‌ها برگردد؟ اما حالا که غرب ایران را به بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت از طریق سازوکار مندرج در برجام تهدید می‌کند، او به جای بد و بیراه گفتن به غرب غدّار، با صاحب‌نظرانی که به او هشدار می‌دادند، تندی می‌کند؟ چرا؟ چطور می‌توان اهرم اسنپ بک را تقدیم دشمن کرد و مدعی شد که اگر سال ۱۴۰۰ توافق می‌کردیم، امروز اسنپ بکی در کار نبود؟ اتفاقاً اگر به برجام برگشته بودیم، اروپا کاملاً برای بهانه‌گیری و استفاده یکطرفه از ماشه، مجالش را داشت و حال آنکه اکنون بر اساس عدم پایبندی در اجرای تعهدات، فاقد این بهانه و توجیه است.

برخلاف ادعای روحانی، وضعیت به قبل از برجام برنمی‌گردد، چرا که هر چهار دولت اوباما، ترامپ، بایدن و ترامپ، بر افزایش تحریم‌ها اهتمام داشته و از ۸۵۰ مورد به بیش از ۲۳۰۰ مورد رسانده‌اند.

از طرف دیگر، سال ۱۴۰۰ هیچ امکانی برای احیای برجام وجود نداشت چرا که دولت بایدن، اقدام ترامپ در خروج از برجام را ابزار گروکشی بیشتر برای مطالبه امتیازات افزون‌تر قرار داده بود و به جای عذرخواهی از عهدشکنی دولت آمریکا یا تعهد به ارائه تضمین‌های معتبر و عدم تکرار عهدشکنی برجام، امتیازات جدیدی طلب می‌کرد.

نکته آخر: در حالی که اروپا و آمریکا در همین چند سال اخیر بی‌چشم و رویی خود را نشان داده‌اند، آقای روحانی که سرش کلاه رفته (یا واسطه کلاهبرداری غرب از ملت ایران شده) با چه رویی می‌گوید امکان توافق دوباره با اروپا و آمریکا وجود داشت؟

دوستانم در جبهه اصلاحات درک درستی از سیاست خارجی ندارند

همکار سابق نشریات زنجیره‌ای، جبهه اصلاحات را به ندیدن واقعیت‌های قطعی سیاست خارجی متهم کرد و گفت که آنها درک درستی از روابط بین‌الملل ندارند.

ابراهیم اصغرزاده از فعالان جبهه اصلاحات، اخیرا مدعی شده بود: «دیپلماسی ما، گُنگ خواب‌زده است. روسیه و چین در بزنگاه تجاوز اسرائیل فقط نظاره‌گر بودند. اولویت کشور جلوگیری از جنگ است که در گرو مذاکره مستقیم با آمریکاست و ما هنوز در تله نگاه به شرق گرفتاریم.»

اکبر گنجی با رد ادعای اصغرزاده نوشت: حدس می‌زنم که احتمالاً شما و دوستانمان در «جبهه إصلاحات» تصور درستی از سیاست خارجی و جهان کنونی ندارید. چند نکته طرح می‌کنم که من و شما و همه از آنها اطلاع دقیق داریم، اما آگاهانه و ناآگاهانه به فراموشی می‌سپاریم:

آمریکا به صراحت در امور داخلی لیبرال دموکراسی‌های غربی متحدش دخالت می‌کند. به اوکراین فشار زیادی آورده که بخش‌های وسیعی از خاکش را تقدیم روسیه کند و اروپا را هم مجبور به پذیرش آن کرده. و برای اینکه برابری و تعادل حفظ شود، معادن اوکراین را از آن آمریکا ساخت، و پول سلاح‌های آمریکایی که به اوکراین می‌دهد را هم به اروپا واگذار کرد. ترامپ کشورهای اروپایی را مجبور کرد که بودجه نظامی‌شان را به ۵ درصد تولید ناخالص‌شان افزایش دهند. همه جهان، عکس‌های نشست اخیر ترامپ با رهبران اروپایی را دیدند که مانند ارباب آنجا نشسته بود و رهبران اروپا در مقابل‌اش چون برده نشسته بودند.

ترامپیست‌های مشهور با ده‌ها میلیون دنبال‌کننده، برای تحقیر مکرون می‌گویند که همسرش زن نیست، مرد است. کار آن‌قدر بالا گرفته که مکرون و همسرش اعلام کردند از آخرین ادعاکننده شکایت خواهند کرد و او هم پاسخ داد که در دادگاه اثبات خواهد کرد که همسر مکرون، مرد است

ترامپ دائماً می‌گوید که کانادا باید یکی از ایالت‌های آمریکا شود و برای رسیدن به این هدف دو اقدام کرده: وضع تعرفه‌های سنگین تا کانادا را وادار به تسلیم کند، و حمایت از راست‌های محافظه‌کار در انتخابات تا آنها را حاکم سازد. ترامپ نخست‌وزیر کانادا را به شدت تحقیر کرد.

ترامپ نام «خلیج مکزیک» را به «خلیج آمریکا» تغییر داد و توافق با مکزیک و کانادا را ملغی اعلام کرد. هند هم باید اعلام کند که ترامپ به جنگ هند و پاکستان پایان داد تا او جایزه صلح نوبل دریافت کند. هند حق ندارد نفت ارزان روسیه را خریداری کند. هند، این فرمان استعماری را نپذیرفته است.ترامپ می‌گوید غزه متعلق به من است. بابت تصاحب آن هم یک سنت پرداخت نمی‌کنم. دو میلیون ساکن غزه باید پاکسازی قومی شوند و به همین دلیل، نسل‌کشی غزه ادامه دارد. اسرائیل از ۱۹۴۸، از طریق نسل‌کشی و آواره کردن، همه فلسطین را از آن خود کرده و فقط غزه و مناطقی از کرانه باختری باقی مانده است. اسرائیل برای تشکیل «اسرائیل بزرگ» خواهان غزه و کرانه باختری هم هست. آمریکا هم گفته که هیچ مخالفتی ندارد. آمریکا گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل را به دلیل گزارش‌های اعلام ارتکاب نسل‌کشی و جنایات جنگی و آپارتاید در غزه تحریم کرد.

دولت اول ترامپ، در ونزوئلا کودتا کرد و شکست خورد. ترامپ برای بازداشت سران ونزوئلا جایزه تعیین کرد و ارتش را هم به مرزهای آن کشور اعزام نموده است.

این قصه را می‌توان با شواهد فراوان دیگر در مورد دانمارک، پاناما، و... ادامه داد که از ذکر آن خودداری می‌کنم. آمریکا که در تجاوز اسرائیل به ایران کاملاً همراه و همکار بود، تأسیسات هسته‌ای را هم بمباران کرد.

در مورد سیاستِ خارجی ناواقع گرایانه «جبهه إصلاحات»، وقتی آمریکا خواهان تسلیم بی‌قید و شرط بزرگ‌ترین متحدانش است، آیا خواهان تسلیم همه‌جانبه ایران نیست؟ اگر ترامپ فردا اعلام کرد که کل مناطق مرزی ایران در خلیج‌فارس متعلق به من است و قصد دارم در آنجا هتل‌سازی کنم، چه خواهیم کرد؟ نگوئیم ترامپ هرگز این خواست کاملاً ضد عقلایی را مطرح نخواهد کرد، چرا که درباره متحدش دانمارک، کانادا، پاناما و مکزیک کرده است.

مذاکره با آمریکا، مذاکره با ترامپ به شدت خودشیفته‌ای است که هر لحظه تصمیم‌اش را عوض کرده و چیزی صددرصد مخالفش را بیان می‌کند. به هیچ توافق و قراردادی که خودش هم امضا کرده باشد پایبند نبوده و نیست. وقتی مذاکرات در عمان آغاز شد، دنیس راس- که یک صهیونیست تمام عیار است- گفت که امیدوارم ترامپ مواضع‌اش را در مذاکرات، لحظه‌ای تغییر ندهد. و به هر توافقی یافت، ملتزم باشد و چندی بعد، ملغی اعلام نکند.

روابط بین‌الملل به هیچ‌وجه اخلاقی نیست، تابع منافع است، همین منافع موجب شده بود که وزیر خارجه اسبق آمریکا بگوید فلان دیکتاتور وحشی حرامزاده است، ولی حرامزاده خودمان است. ترامپ هم گفت «ژنرال سیسی دیکتاتور محبوب من است». دفاع تمام عیار دولت‌های لیبرال دموکراسی غربی از نسل‌کشی و جنایات جنگی اسرائیل هم براساس منافع‌شان است